صفحه‌آرا: سعید غفوری

دختری که می‌خواست دکتر شود

«مطهره می‌خواست دکتر کودکان شود»؛ این جمله کوتاه معصومه ذاکری، مادر شهید مطهره احمدزاده، روایت رؤیایی است که در حمله ددمنشانه رژیم صهیونیستی و حامیان آمریکایی‌اش به مدرسه شجره طیبه میناب، ناتمام ماند. دانش‌آموز کلاس چهارمی که آرزوی حافظ کل قرآن‌شدن را در سر می‌پروراند، درماه رمضان و با زبان روزه پرکشید.

ماجرای نقاشی علیرضا

«سه‌شنبه قبلش، یک نقاشی در مدرسه کشیده بود. عکس مامان و بابا و ۲ تا برادراش. گفتم چرا خودت توی عکس نیستی ؟ گفت من که اینجا نیستم، من توی مدرسه‌ام. هنوز به آن نقاشی که فکر می‌کنم ناراحت می‌شوم.»؛ این جمله را جواد شهرجو، پدر شهید علیرضا شهرجو از شهدای مدرسه میناب می‌گوید.

یادداشت

پریسا نیکوئی؛ خبرنگار

خورشیدهای کوچک

پشت نیمکتم نشسته‌ام و به دهان معلم چشم دوخته‌ام. درس امروزمان شعری از سلمان هراتی است. «شهدا خورشیدند.» خانم معلم وقتی شعر می‌خواند، حالت نگاهش تغییر می‌کند. لحن آهنگینی به کلماتش می‌دهد که عاشقش هستم. پچ‌پچ‌های بچه‌ها ساکت شده و این یعنی همکلاسی‌هایم محو شعرخواندنش شده‌اند. اما من حواسم پرت است. سؤالی در ذهنم می‌چرخد:

شهدا خورشیدند؟ این چه معنی‌ای دارد؟

ناخودآگاه کنار این جمله از شعر، علامت سؤال می‌گذارم.

خانم معلم شعرخواندنش را به پایان می‌رساند و از ما می‌خواهد با هم آن را بخوانیم. تازه شروع به همخوانی کرده‌ایم که ناگهان صدایمان میان صدای مهیب و وحشتناکی گم می‌شود.

انفجار؟

بمب؟

موشک؟

نمی‌دانم!

فرصت هیچ کاری نمی‌یابم. به گوشه کلاس پرتاب می‌شوم و نفس در ریه‌هایم گره می‌خورد.

با شدت به دیوار کلاس می‌خورم اما عجیب است که هیچ دردی حس نمی‌کنم.

متعجب از جا بلند می‌شوم. همه‌چیز تغییر کرده. کلاسمان دیگر جز تلی از خاک و گردوغبار نیست.

تخته کلاسمان، کتابخانه کوچک، نیمکت‌های خط خطی، همگی نابود شده‌اند.

حس عجیبی دارم. انگار نسبت به‌خودم آگاه‌تر شده‌ام. به‌خودم که نگاه می‌کنم، تمام تنم مثل ستاره می‌درخشد.

نگاهم را بالا می‌آورم. خانم معلم روبه‌رویم ایستاده؛ با لبخندی مهربان‌تر از همیشه. کنارش همکلاسی‌هایم هستند. دست یکدیگر را گرفته و روی چهره‌هایشان چیزی جز آرامش دیده نمی‌شود.

ته دلم پاسخ سؤالم را می‌دانم اما باز می‌پرسم: «خانم، ما مردیم؟»

خانم معلم در پاسخ به سؤالم می‌خندد: «خودتو ببین! ما خورشیدیم! به‌نظرت این یعنی مردن؟»

همکلاسی‌ها دست مرا هم می‌گیرند. هر کدام یک خورشیدند؛ مثل من، مثل خانم معلم.

به‌دنبال او به سمت آسمان می‌رویم. پاسخ سؤالم را حالا گرفته‌ام.

ما خورشیدهایی هستیم که تا ابد در آسمان این کشور خواهیم درخشید.

آرزو داشت پلیس شود

روایت مادر امیرحسین رسولی از شهدای مدرسه میناب

گزارش

النازعباسیان | روزنامه‌نگار | نزدیک به ۶ماه از حادثه میناب گذشته اما داغ این کودکان پرپرشده هنوز هم برای خانواده‌هایشان جگرسوز است. شهید امیرحسین رسولی هم مانند دیگر دانش‌آموزان میناب روایتی جانسوز دارد؛ پسری که با ذوق در کلاس سوم ابتدایی درس می‌خواند و آرزو داشت وقتی بزرگ شد پلیس شود. می‌خواست با آدم‌های بد بجنگد و آرامش و آسایش را برای مردم شهرشان فراهم کند. اما تقدیر چنین رقم خورد که او در کودکی با خون سرخش با آدم‌های بد بجنگد و اینگونه پربکشد. در این گزارش، زهرا زارعی، از پسر دوست‌داشتنی‌اش امیرحسین روایت می‌کند.

عضو افتخاری هلال احمر بود

مادر امیرحسین مثل هر مادری اول صحبت‌هایش را با تعریف از پاره‌تنش شروع می‌کند: «۳پسر داشتم. امیرحسین پسر آخرم بود؛ بچه‌ای آرام، بامحبت و مظلوم. هیچ‌وقت کسی را اذیت نکرد. معلم‌ها همیشه می‌گفتند که خیلی مؤدب است. همه فامیل دوستش داشتند. دوست داشت پلیس شود. می‌گفت می‌خواهم آدم‌های بد را دستگیر کنم. می‌خواهم با آنها بجنگم.» رابطه‌اش با برادر بزرگ‌ترش، احسان، مثال‌زدنی بود. این جمله مادر دل‌شکسته است: «۷سال با احسان فاصله سنی داشت. هر صبح می‌گفت که اول احسان بیدار بشه، بعد من. شب می‌گفت اول احسان بخوابه، بعد من. اتاقشان یکی بود. همیشه دوست داشت برادرهایش احسان یا امین با موتورسیکلت بروند دنبالش و او را از مدرسه بیاورند. جای خالی او، برادرانش را هم افسرده کرده.»

آخرین دیدار

خاطره آخرین دیدار هر عزیز از دست‌رفته، در ذهن بازماندگان روزی صدبار تکرار می‌شود. مادر با بغض، خاطره آن روز را مرور می‌کند: «صبح شنبه به امیرحسین گفتم بیدار شو. گفت که «مامان، خوابم میاد، امروز نمی‌رم مدرسه.» در گروه مجازی کلاس‌شان نوشته بود امتحان ریاضی دارند. گفتم: «نه مامان، امتحان داری، باید بری». با اصرار من راضی به رفتن شد.» این جمله را که می‌گوید بغضش می‌ترکد و گریه امانش نمی‌دهد. کمی که آرام می‌شود خودش ادامه می‌دهد: «هر روز پدرش او را بیدار می‌کرد. می‌برد دست و صورتش را بشوید. بعد لباس می‌پوشاند و به مدرسه می‌برد. آن روز هم همینطور بیدار شد. هر کاری کردم تا صبحانه بخورد، گفت: «سیرم، نمی‌خورم.» حتی خواستم یک لقمه کوچک توی کیفش بگذارم، گفت: «نه، نمی‌خورم.» بغلش کردم، او هم مرا محکم بغل کرد. گفتم: «مامان مواظب خودت باش، امتحانت رو خوب بدی! به حرف خانم معلم هم خوب گوش بده.» گفت: «باشه! چشم مامان.» بعد سریع رفت توی ماشین. این آخرین دیدار من با امیر بود. اما کاش اصرار به رفتنش نمی‌کردم.»

چند ساعت بعد، صدای مهیبی همه را به کوچه کشاند: «اول فکر کردیم زلزله است. اما دودی از کنار مدرسه بلند شد. همسایه‌ها گفتند به اطراف مدرسه حمله شده. اما وقتی رسیدیم، مدرسه آوار شده بود. آن شب، طولانی‌ترین شب زندگی‌ام بود. تا صبح فقط صدایش می‌زدم. اما امیرحسین پیدا نشد. روز بعد، ساعت ۱۱ بود که آمدند شناسنامه را گرفتند. پدرش برای شناسایی به سردخانه رفت. کیف پسرم اشتباهی کنار یک پیکر دیگر بود. به همین‌خاطر دیر شناسایی شد. دوباره پیکرهای دیگر را گشت و بالاخره امیرحسین را پیدا کرد. بدنش سالم بود، فقط شکستگی داشت.»

مکث

نماز، قرآن و دغدغه‌ای ناتمام

مادر با چشمانی تر، از علاقه پسرش به نماز و قرآن می‌گوید: «هر وقت می‌خواستم نماز بخوانم، می‌آمد و می‌گفت مامان بلند بخوان تا من یاد بگیرم. قرآن که می‌خواندم، می‌گفت بلند بخوان تا بشنوم. یک روز قبل از حادثه، ناراحت بود که آیت‌الکرسی را کامل حفظ نکرده است. گفت: «مامان یکشنبه زنگ قرآن داریم باید آیت‌الکرسی را از حفظ بخوانم اما نصفش را بلدم.» گفتم: «ناراحت نباش تا این اندازه هم خوبه.» اما خودش ناراحت بود.» مادر در پایان، با صبری که از خدا خواسته، می‌گوید: «می‌دانم خیلی سخت است، اما می‌خواهم امیرحسین شناخته شود؛ شخصیتش، چهره‌اش، آرزوهایش. اگر ما نگوییم، هیچ‌کس نمی‌داند چه بچه‌هایی بودند که شهید شدند. او پسر مهربان من بود، حالا باید برای ایران بماند.»

نگاه

ریحانه مرتضوی؛ خبرنگار

لزوم نمایش آثار جنگ‌های اخیر در موزه‌های دفاع‌مقدس

در جهان امروز، موزه‌های جنگ نه‌تنها مکانی برای نگهداری اشیای تاریخی، بلکه فضایی برای انتقال تجربه‌های جمعی و زنده‌نگه‌داشتن یاد رخدادهای تلخ و افتخارآمیز هستند. از موزه جنگ مسکو با تالار افتخار و مجسمه سرباز پیروز تا یادمان دیوار برلین در آلمان که هر قطعه‌اش روایتگر رنج جدایی و شجاعت فرار است، همگی نشان می‌دهند که این مکان‌ها فراتر از ویترین‌های شیشه‌ای عمل می‌کنند. فیلم‌ها، مجسمه‌ها، نورپردازی و بازسازی صحنه‌ها، مخاطب را به دل تاریخ می‌برند تا نه فقط ببینند، بلکه احساس کنند و بیاموزد.

در ایران نیز باغ‌موزه انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس در تهران، با الهام از همین رویکرد روایی و تعاملی، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این نوع موزه‌داری محسوب می‌شود. آنچه این مجموعه را از دیگر موزه‌ها متمایز می‌کند، نگاه داستان‌محور آن است. بازدیدکننده در اینجا تماشاگر صرف نیست بلکه مسافری در زمان است که از روزهای پرشور پیروزی انقلاب آغاز می‌کند، به هول‌وولای آغاز جنگ تحمیلی قدم می‌گذارد، سختی‌های سنگرها و خط مقدم را از نزدیک حس می‌کند و سرانجام به طعم پیروزی و آرامش می‌رسد. اما آنچه این روزها ضرورتی انکارناپذیر است، اهتمام جدی مسئولان باغ‌موزه به ثبت و نمایش آثار جنگ‌های اخیر کشور است. جنگ تحمیلی سوم که با ماهیتی متفاوت و پیچیده‌تر رقم خورده، نیازمند روایتی تازه، متناسب با شرایط امروز است. این باغ‌موزه، با پیشینه ارزشمند خود در تلفیق هنر، فناوری و روایت، می‌تواند بستری مؤثر برای نشان‌دادن ایثار مردم و افشای خباثت دشمن فراهم آورد. پرداختن به این جنگ‌ها، نه‌تنها وظیفه‌ای تاریخی، بلکه رسالتی ملی در قبال نسل جوان است تا عبرت‌های تازه را با زبان روز دریافت کنند تا از تکرار تلخ‌ترین فصل‌های تاریخ جلوگیری شود. آنگونه که در خبرها شنیده‌ایم مسئولان این مرکز، آثاری از ۲جنگ اخیر و حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ را ثبت و جمع‌آوری کرده‌اند.

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

شرکت سرمایه گذاری شهر

فراخوان خرید اقلام مورد نیاز شهرداری تهران

شرکت سرمایه‌گذاری شهر وابسته به شهرداری تهران

در نظر دارد خرید لوله سیاه فولادی جهت فاز ۱ پروژه‌های سازمان بهشت زهرا(س) به شماره : **۲۰۰۵۱۰۱۵۷۸۰۰۰۰۵۱** و خرید لوله سیاه فولادی جهت فاز ۲ پروژه‌های سازمان بهشت زهرا(س) به شماره : **۲۰۰۵۱۰۱۵۷۸۰۰۰۰۵۲** جهت شهرداری تهران را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۵/۰۵/۲۸
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ ساعت ۱۹:۰۰ عصر
- مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ ساعت ۰۸:۰۰ صبح
- زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ ساعت ۰۹:۰۰ صبح

اطلاعات تماس و آدرس شرکت سرمایه‌گذاری شهر :

تهران ـ خیابان حضرت ولی‌عصر (عج) ـ بالاتر از خیابان زرتشت ـ کوچه میرهادی ـ پلاک ۷ ـ تلفن ۴۲۷۱۶۰۰۰

شرکت سرمایه گذاری شهر

آگهی تمدید فراخوان مناقصه عمومی

عملیات اجرایی تکمیل ساخت سالن‌های نمایشگاهی ۷ و ۸ به همراه محوطه اطراف آن در مجموعه نمایشگاه بین‌المللی شهر آفتاب

شرکت نمایشگاه های بین المللی شهر آفتاب در نظر دارد به منظور اجرای **پروژه تکمیل ساخت سالن های نمایشگاهی ۷ و ۸ به همراه محوطه اطراف آن در مجموعه نمایشگاه بین المللی شهر آفتاب** به شرح ذیل اقدام به برگزاری مناقصه عمومی نماید. بدینوسیله از شرکت های دارای گواهینامه صلاحیت حداقل پایه ۲ در رشته ساختمان و حداقل پایه ۲ در رشته تأسیسات، دعوت به عمل می آید حداکثر تا روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ پیشنهادات خود را به شرکت نمایشگاه های بین المللی شهر آفتاب تحویل نمایند.

الف) محل دریافت اسناد مناقصه و تحویل پاکات: تهران، بزرگراه خلیج فارس، جنب عوارضی تهران- قم روبه روی حرم مطهر حضرت امام (ره)، مجموعه نمایشگاه های بین المللی شهر آفتاب تهران، ساختمان اداری، مدیریت حقوقی، تلفن تماس ۹۶۰۶۷۶۵۷-۰۲۱

ب) سپرده شرکت در مناقصه به صورت فیش واریز نقدی یا ضمانت نامه معتبر بانکی به مبلغ ۸۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بوده که به همراه اسناد مناقصه و مستندات در پاکت الف به صورت دربسته می بایست ارائه شود.

ج) مهلت ارائه اسناد تکمیل شده، حداکثر تا روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ می باشد. به همراه داشتن حافظه همراه(فلش) و معرفی نامه معتبر متقاضی طبق اساسنامه شرکت، هنگام دریافت اسناد الزامیست.

د) تاریخ جلسه بازگشایی پاکات ساعت ۱۱:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۶ می باشد .

آگهی مناقصه عمومی به صورت الکترونیک شهرداری تهران (منطقه۴)

ردیف آگهی :۶۹-۶۸/ م۱۴۰۵/۴

شهرداری منطقه ۴ در نظر دارد امور مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به صورت الکترونیک به بخش خصوصی واگذار نماید، متقاضیان می توانند اسناد مناقصه را از طریق تالار آگهی معاملات شهرداری تهران به نشانی http://business.tehran.ir دریافت نمایند.

شرکت کنندگان **می بایست اصل فیش بانکی** یا **ضمانت نامه بانکی** را به صورت فیزیکی تا پایان ساعت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ به دبیرخانه منطقه ارائه نمایند .همچنین شرکت کنندگان از زمان انتشار آگهی تا پایان وقت روز سه شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ (ساعت ۲۴) **می بایست** نسبت به دریافت و بارگذاری ، امضاء و مهر و موم کلیه اسناد مناقصه در پاکت الف و برگ(برگهای) پیشنهاد قیمت با انضمام برآورد اولیه تنظیمی (درصورت نیاز توسط مناقصه گزار به منضم نمودن برآورد اولیه) در پاکت ب به وسیله توکن اقدام نمایند.

ردیف	موضوع مناقصه	مدت انجام تعهد (ماه)	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	شرایط اصلی داوطلبان شرکت در مناقصه	میزان سپرده شرکت در مناقصه (بصورت نقدی و یا در قالب ضمانتنامه بانکی) (ریال)	پیش پرداخت	مهلت تحویل اسناد و تسلیم پیشنهاد	زمان قرائت پیشنهادها	میزان تضمین انجام تعهدات قرارداد
۱	نگهداری ، توسعه و بازپیرایی فضای سبز و تاسیسات وابسته ناحیه ۲ و بوستان الغدیر (تجدید مناقصه)	۱۲	۲۷۰,۹۹۷,۰۰۱,۷۸۵	دارا بودن گواهینامه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته کشاورزی با پایه مرتبط با مبلغ پیمان صادره از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سازمان برنامه و بودجه کشور)	۱۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	تعلق نمی گیرد	تسلیم پیشنهادات به صورت الکترونیکی : تا ساعت ۲۴ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰	روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ ساعت ۱۲	برابر ۱۰٪ مبلغ پیشنهادی برنده مناقصه خواهد بود
۲	نگهداری ، توسعه و بازپیرایی فضای سبز و تاسیسات وابسته بزرگراه امام علی (ع) (تجدید مناقصه)		۱۴۹,۴۸۲,۵۷۴,۱۰۰		۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰			روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ ساعت ۱۲:۳۰	

لازم به ذکر است ارزیابی قیمت مناقصه‌گران وفق آخرین ویرایش دستورالعمل تعیین مناسبترین پیشنهاد در مناقصات پیمانکاری صادره از سوی شورای فنی شهرداری تهران انجام خواهد شد.

محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادات :

۱-اسناد الکترونیک: در بستر سایت تالار آگهی معاملات شهرداری تهران به نشانی http://business.tehran.ir دریافت می‌گردد. متقاضیان درصورت نیاز به دریافت اطلاعات و اخذ راهنمایی با سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران تماس حاصل نمایند.

۲- اصل فیش بانکی /ضمانت نامه بانکی: دبیرخانه شهرداری منطقه۴ به آدرس: میدان رسالت- خیابان هنگام - خیابان طاهرخانی می باشد.

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شماره ۰۸-۱۴۰۵

شرکت صنایع مس شهید باهنر
Bahonar Copper Industries Co.

موضوع مناقصه: خرید پالت و جعبه چوبی شرکت صنایع مس شهید باهنر

شرکت صنایع مس شهید باهنر (سهامی عام) به شماره ثبت ۱۶۴۹۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۱۴۷۳ در نظر دارد **تأمین پالت و جعبه چوبی** خود را به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید. کلیه شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند بر اساس شرایط ذیل، در این مناقصه شرکت نمایند:

مشخصات مناقصه

۱- موضوع مناقصه: خرید پالت و جعبه چوبی شرکت، بر اساس شرح خدمات مندرج در اسناد مناقصه.

۲- محل اجرای خدمات: محل استقرار شرکت صنایع مس شهید باهنر واقع در شهر کرمان، بعد از شهرک صنعتی خضراء.

۳- مدت زمان اجرای قرارداد: یک سال شمسی از تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۱، با قابلیت تمدید طبق مفاد قرارداد.

۴- نحوه دریافت اسناد مناقصه: از روز **یکشنبه** مورخ **۱۴۰۵/۰۶/۰۱** می توانند جهت دریافت اسناد به آدرس ذیل مراجعه و یا اسناد را مستقیما از طریق سایت به نشانی www.csp.ir دریافت نمایند.

۵- نحوه تحویل پیشنهادها: متقاضیان می‌بایست پاکات پیشنهاد خود را در سه پاکت مجزا (الف: تضمین شرکت، ب: اسناد فنی و کیفی، ج: پیشنهاد مالی) لاک و مهر شده، حداکثر تا ساعت **۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴** به دبیرخانه محرمانه حراست شرکت تحویل دهند.

درج شماره مناقصه بر روی پاکات الزامی است.

۶- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: میزان تضمین شرکت در مناقصه مبلغ شصت میلیارد ریال (۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) می‌باشد. که می‌بایست به‌صورت ضمانت‌نامه معتبر بانکی یا واریز نقدی به حساب شرکت، مطابق با مشخصات مندرج در اسناد مناقصه باشد.

۷- شرایط شرکت‌کنندگان:

- داشتن گواهینامه صلاحیت معتبر در زمینه خدمات عمومی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- توانایی تأمین نیروی انسانی و توان مالی لازم.
- ارائه مدارک مالی، بیمه‌ای و فنی موردنیاز مطابق اسناد مناقصه.

۸- سایر توضیحات:

- شرکت در مناقصه و تحویل پیشنهادات، به منزله قبول کلیه شرایط مندرج در اسناد مناقصه است.
- به پیشنهادهای ناقص یا فاقد تضمین ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار است و شرکت‌کنندگان حق هیچ‌گونه اعتراضی نخواهند داشت.
- برای دریافت اطلاعات بیشتر، با شماره ۳۱۲۲۷۱۵۴-۰۳۴ تماس حاصل فرمایید.
- نشانی: کرمان، کیلومتر ۱۲ بزرگراه آیت ا... هاشمی رفسنجانی، شرکت صنایع مس شهید باهنر.